

# تازه یول

ثوتار عرینگ دنیا سلینگ  
حق یولینه باغلا بیلینگ  
آغزی آله بولان ایلینگ  
دولتی ناچان یالید یر

نشریه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

پای بندی به حق تعیین سررخت خلقها بست خودشان  
مهمترین شرط دموکراسی و معیار دمکرات بودن نیروها  
در کشور کثیرالملله ایران می باشد

.....

## آلمان واحد

روز سوم اکتبر برابر با ۱۱ مهرماه دو بخش جدا شده آلمان بهم پیوستند. همانگونه که جدایی دو آلمان، يك واقعه تاریخی بشمار میرفت، این رویداد نیز واقعه بین المللی و تاریخی به حساب می آید. بدنیال تسلیم ارتش آلمان در سال ۱۹۴۵ آلمان به ۴ منطقه تحت نفوذ تقسیم شد. در سال ۱۹۴۹ در مناطقی که تحت نفوذ کشورهای سرمایه داری قرار دار کشور آلمان فدرال بوجود آمد و در مناطقی که تحت نفوذ ارتش شوروی بود، جمهوری دمکراتیک آلمان پایه گذاری گردید. بدین ترتیب دو بخش کشور آلمان با سیستمهای متفاوت به بازسازیهای خرابیهای ناشی از جنگ جهانی دوم و اندازه منطقه تحت قلمرو خود پرداختند. مردم آلمان از این جدائی رضایت نداشتند. پیوسته در آلمان شرقی این ناراضی به اشکال اعتراضی در مقاطع مختلف بروز کرد و منجر به رویدادهای تاریخی در تاریخ آلمانها گردید. نخستین نقطه عطف در جهت واحد شدن دو آلمان، فرو ریختن دیوار برلین بود که بعد از ۲۸ سال در اثر مبارزه مردم و شرایط مساعد بین المللی فرو ریخت.

استیال ریزش دیوار برلین و تحولات متعدد در درون دیوار "بلوک شرق" و از درون ریختن این دیوار، گرایش ایجاد آلمان واحد بیش از پیش نیرو گرفت. این گرایش

تحقیقات باستانشناسی در اطراف کاشان (تپه سلیک و تپه حصار) نشان میدهد که چند هزار سال پیش در این مناطق نیز نژادهای مختلفی از جمله نژادهای شبیه مغول و مدیترانهای وغیره میزیستند. (۲) طبق تحقیقات مورخین و مادشناسان برجستهای چون دیاکونوف از ۶ قبیلهای که مجموعا قوم مادراتشکیل میدادند، تنها دو قبیله آریایی و دو قبیله نیز تورانی (ترك) بودند و در مورد بقیه هنوز اظهار نظر قطعی نشده است (۳) در مورد ترکیب اتئوگرافیک پارتیان (اشکانیان) نظرات مختلفی ارائه گردیده است. اما آنچه تاکنون برای محققین شوروی روشن شده است، بازماندگان پارتیان بنامپارلار (پارها) امروزه در ترکمنستان شوروی، از جمله پایتخت قدیمی اشکانیان بقیه در صفحه ۲

امروزه هیچ انسان آگاه و شرافتمندی یافت نخواهد شد که وجود ملیتهای غیر فارس در ایران و وزن سنگین آنان در ترکیب اتئوگرافیک جامعه ما را انکار نماید. ایران چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ ترکیب امروزی جامعه آن، کشوری است کثیرالملله. مورخین و باستانشناسان متفق القولند که از چند هزار سال قبل از میلاد ساکنین اصلی بین النهرین وهمچنین سراسر غرب ایران کنونی از آنریاجان تا سواحل خلیج فارس، چون سومریان، اکدیان، عیلامیان، ماننائیها و غیره که پایه گذاران اصلی تمدن جامعه بشری بودند، از آسیای میانه (ترکستان) به این مناطق مهاجرت نموده بودند. در این زبان آنان نیز از گروه زبانهای اورال - آلتائی و با زبانهای ترکی امروزی در يك گروه قرار داشته و از يك ریشه بودند (۱)



### چینش سیاسی ترکمنها

#### گذشته، حال، آینده

تاکتیکهای مشخصی فراتر گذاشته باشد، طبق نگرشهای پیشین و شیوههای گذشته دست به نقد و بررسی زده است. نتیجهای که همگی اینگونه نقدها گرفته و میگیرند، محکوم کردن این یا آن سازمان و بطور مشخصی جریان فدائی است. این واقعیتی بود که مردم ترکمن علی العموم از فدائیان حمایت کردند و فدائیان از این اقبال تاریخی برخوردار شدند که اعتماد مردمی را از طریق کانون بقیه در صفحه ۲

پیرامون پراتیک، عملکرد و روندهای سالهای ۵۸-۵۹ مطالب زیادی گفته و نوشته شده است. بخش عمده این مطالب حکایت از تعریف و تمجید رویدادهای آن دوره دارد و عمدتا تحت عنوان دستاوردهای بزرگ قلمداد شده است. هر چند نگاه نقادانه نیز پیرامون این موضوع یافت میشود، ولی این نقدها نتوانسته است از بررسی این یا آن تاکتیک و سیاست مشخصی فراتر برود، اگر نیز پا را از بررسی

## در این شماره ...

- الفبای پیشنهادی خط ترکمن
- منظومه‌ای بیا دواره "گورکن بهلکه"
- از فرهنگ مردم:
- بازیهای کودکان ترکمن



جنبش .....

و ستاد و با حضور نزدیک بخود جلب نمایند. مردم چیزهای فراوانی بهره‌برانش آموخت، ولی متأسفانه رهبران استعداد نازلی در یادگیری از خود نشان دادند. حتی بدتر از آن، رهبران تا آنجا بسا مردم بودند که مردم به آنها گوش میدادند و فرامین آنان را اجرا میکردند. در غیر اینصورت مردم نیز کنار زده میشدند. بعبارت دیگر، پیشاهنگ نه همراه وهمگام با مردم بلکه بر فراز مردم حرکت میکرد و بجای مشارکت دادن مردم در امور خود بجای آن تصمیم میگرفت و عمل نموده و این امر از اصول اعتقادی آن دوره و دوره اندکی قبلتر از آن، نظیر "چریک خود حزب است"، "خلق اینک توسط فرزندان پیشاهنگش، توسط گروههای انقلابی و واقعا انقلابی نمایندگی میشود" و "ما که درگیر مبارزه هستیم تجسم مادی و معنوی توده‌هایم" و "ناشی میشود.

انحصار طلبی و برتری جویی درد دیگری بود که این "پیشاهنگ" فداکار ایثارگر بدان مبتلا بود. این درد او را در میان مردمی که به او اعتماد کرده بودند، شك و تردید می‌آفرید. مردم که خود انحصار طلبی حکومت اسلامی را از همان آغاز بقدرت رسیدنش چشیده بودند وقتی میدیدند که مدعیان رهبری‌ش سخنرانیهای مسئولان حزب توده را بهم میزنند، مانع پخش اعلامیه‌های هواداران سازمانهای سیاسی دیگر نظیر بیکار و ... میشوند، و با گروههای اسلامی به شیوه خودشان، انحصار طلبانه و غیر دمکراتیک برخورد میکنند، طبیعی بود که نسبت به مدعیان رهبری شك و تردید راه بدهند، ( ولی این شك و تردید هنوز به معنای سلب اعتماد و بدبینی بدان نبود )

بدون تکیه به توده‌های مردم، آنهم مردمی که بیدریغ حمایت میکند و از خود اعتماد نشان میدهد، و به نیابت آنان (مردم) مبارزه کردن، "قیم مآبی" محض است. قیم مآبی نیز فاقد قدرت رهبری

است. چرا که رهبری فقط در ارتباط با توده‌ها و پای بند بودن به آرا و اراده اکثریت آنان معنی میدهد. در صورتی که قیم مآبها اعتقادی به نیروی توده‌ها ندارند هر چند که رابطه گسترده و وسیع هم با توده‌ها داشته باشد، در پیچاپیچ مبارزه از آنجا که توده "قدرت فهم" اقدامات او را ندارد، بعنوان اصلی‌ترین مولفه مبارزه کنار گذاشته میشود.

گفته میشد در ترکمن صحرا دو مسئله مرکزی وجود دارد که بستر اصلی حرکت مردم ترکمن را تشکیل میدهد. یکی مسئله ملی و دیگری مسئله ارضی. مسئله دوم نسبت به اولی در اولویت قرار میگرفت. در جریان مبارزه و زندگی نه تنها این دو مسئله، بلکه خیلی از مسائل دیگر نظیر مسئله قالیبافان، صیادان، مسئله تشکلهای صنفی، و غیره در اثر تلاشهای فداکارانه، به برخی نتایج مثبت فرا روئید و دستاوردهای معینی را نیز به همراه داشت. در عین حال در هر يك از این عرصه‌ها خطاهای جزئی و جدی و بزرگ نیز وجود داشت.

شعار "استرداد زمینهای غصبی" و "زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند" شعارهایی بودند که در ترکمن صحرا تقریباً بطور کامل تحقق یافتند. سازماندهی کشت شورایی بطور عمده در این منطقه بکار بسته شد. اینها را میتوان در زمره نشانه‌های مثبت و دستاوردهای جنبش به حساب آورد. ولی مسئله صرفاً به استرداد زمین و تشکیل شوراهای مدیریت شورایی خلاصه نمیشود. مصادره زمینها و کشت شورایی، بعلمت نداشتن برنامه و چشم انداز روشن، اقداماتی کاملاً بدون آینده از آب درآمدند. هر چند که در آن مقطع اقدامی رادیکال و انقلابی محسوب میشد؛ زندگی این حقیقت را در سالهای بعدی با تمام وضاحت نشان داد. ۷-۵ نفر عضو شورا موظف به انجام همه امور پروسه کاشت - داشت و برداشت محصول میشدند و بقیه اهالی تنها در وقت خرمن سراغ شورا مرفتند تا سهم خود

را بگیرند، بدون اینکه زحمتی در پروسه تولید آن کشیده باشند. این شیوه کار نه تنها مفتخوری را گسترش میداد، بلکه به کیفیت سطح تولید نیز لطمات جدی وارد میساخت. این حقیقت زمانی برینانتر شد که ۱۰ علی‌رغم تلاشهایی که برای سرکوب و نفی شوراها انجام داد، موفق به اجرای مقاصد خویش نگردید، دست‌انگیزان بر سر سمیت شناختن شوراها گردید و حتی در موارد زیادی از طریق هیاتهای ۷ نفره جهاد سازندگی و غیره کمکهای فنی و مالی به آنها پرداخت نمود، ولی نتیجهای که در تولید از کشت شورایی بدان شکل بد آمد، بشدت در سطح نازلتر از سالهای پیش از انقلاب بود. قابل یادآوری است که شاید روستاهای ترکمن صحرا تنها جایی باشد که هنوز شوراها در آنجا نقش جدی در امور زندگی دارند.

مسئله دیگر درباره نحوه گزینش شورا بود. تشکیل شورا که در آغاز به ابتکار خود مردم و ملهم از سنن و فرهنگ اجتماعی ترکمنها متولد شده بود با قدرت گیری ستاد و کانون، چگونگی تشکیل شوراها هم عموماً جنبه فرمایشی و فرمالیته پیدا کرد. پیشاهنگ بجای آنکه باور به دمکراسی را در میان مردم اشاعه و رشد دهد، آنچه را هم که خود مردم داشت، نف میکرد. عموماً کسانی به عضویت شورا انتخاب میشدند که بنوعی (مستقیم و غیر مستقیم) مورد تأیید مقامات رهبری و یا نمایندگان ایشان میبودند، در غیر اینصورت بانمایشهای محکمه پسند، فرد مزبور کنار گذاشته میشد.

بیک کلام اندیشه حاکم، علی‌رغم مردم دوستی و جانبازی و فداکاری در راه مردم درکی واقع بینانه و با چشم‌انداز برای ترقی و بهبود وضع مردم ترکمن نبود. درکی بود که با دنباله‌روی از حرکات مردم و بدون تحلیل آن و با ذهنی گرایشی آغاز شد و با قیبه‌آبی و انحصار طلبی اراده گرایی و ماجراجویی ادامه یافت و بتدریج به فاصله گرفتن از مردم و فاصله گیری مردم از او شد و در مقابله با حکومت اسلامی تقریباً تنها مانده ادامه دارد.

حق تعیین . . . .

(نوسای دپه در ۱۶ کیلومتری شهر عشق آباد، پایتخت ترکمنستان شوروی) زندگی میکنند و یکی از خاندانهای بزرگ ترکمن را تشکیل میدهند (۴) علاوه بر این چند روستای ترک زبان در خوزستان در نزدیکی مرز عراق نیز خود را از نوادگان اشکانیان میدانند و این نام را نیز با خود حمل میکنند.

در زمان ساسانیان نیز اقوامیبر فارس بویژه افتالیتها (ابدالها) چه در ترکیب جامعه و چه در هرم حاکمیت از وزن قابل توجهی برخوردار بودند. خطوط روی یکی از سکههای مربوط به دوره شاپور دوم را "ر. گبرشن" چنین خوانده است: "پ. شاه هیونیتها (افتال) (۵) بازماندگان افتالیها یعنی ابدالها امروزه از نظر اتنوگرافیک جزو خلقهای ترک زبان بوده و در ترکمنستان شوروی، افغانستان و ترکیسه زندگی میکنند.

تاریخ بعد از اسلام و نقش تعیین کننده اقوام ترک زبان در سرنوشت ایران در این دوره و همچنین مشخصات ترکیب اتنوگرافیک امروزی جامعه ایران نیز "اظهر من الشمس" و بی نیاز از توضیح و تفسیر میباشد. علاوه بر خلقهای ترک زب (آذری، ترکمن، قشقای و...) خلقهای کرد، بلوچ و عرب نیز هر کدام چه در بعد تاریخی و چه در ترکیب کنونی جامعه ایران جایگاه برجستهای داشته و دارند. بنابراین برخلاف تبلیغات بی اساس شونیستی، سرزمین ایران هرگز مسکن و ماوای منحصر بفرد فارسها نبوده و نمیباشد فارسها نیز همانند دیگر اقوام ساکن ایران از هزاره اول قبل از میلاد بصورت مهاجرینی استیلاگر وارد این خاک شده و در بخش نه چندان بزرگی از سرزمینی که امروز بنام ایران شناخته میشود، ساکن شدهاند. آنان نیز پس از ورود به این سرزمین نقش ویژه خود را در سرنوشت آینده آن ایفا نموده و می نمایند.

### استقرار رژیم سلطنت پهلوی سرآغاز

#### اعمال سیاستهای شونیستی عریان:

پس از به حکومت رسیدن رژیم پهلوی بدست استعمارگران انگلیسی، سیاست شونیستی با تمام بی رحمی و خشم و خون و چهرهای غیر انسانی از سوی این رژیم در پیش گرفته شد. این سیاست دقیقاً در خدمت منافع غارتگران استعمارگران آزمند بود. زیرا آنان لقمه چرب و نرم ایران را با تمام منابع سرشار بویژه نفت و نیز موقعیت سوق الجیشی آن یکپارچه و بی دردسر میخواستند. برای اینکار

لازم بود تا جنبشهای مترقی در گوشه و کنار مملکت بویژه جنبشهای استقلال طلبانه ملی در آذربایجان، کردستان، و ترکمن صحرا که بازوهای نیرومند دموکراسی و استقلال در ایران بوده و میباشد بشدت سرکوب گردد. رضاخان با حمایت استعمارگران انگلیسی چنین وظیفه ننگینی را انجام داد. پس از سرکوب جنبشهای حق طلبانه خلقها، مرحله بعدی حاکم کردن شونیسم فارس و استحاله تدریجی دیگر خلقها در خلق فارس و در نهایت انکار کثیرالمسه بودن ایران، انکار هویت و موجودیست ملیتهای غیر فارس بود.

این سیاست با بکارگیری تمام امکانات مادی و ریخت و پاش بودجه مملکت از طریق تبلیغات نفرت انگیزی بر علیه خلقهای غیر فارس بویژه ترک زبانان پیش برده شد. قدغن کردن خواندن و نوشتن بزبان مادری، تحقیر و تمسخر زبان و فرهنگ و مقدسات خلقهای غیر فارس، بی فرهنگی و وحشی قلمداد کردن آنان به سیاست روزمره و رسمی دولتهای پهلوی تبدیل شد. بیشرمی و وقاحت را تا آنجا رساندند که ابائی نداشتند نیمی از جمعیت مملکت را "ترک خر" بنامند. علاوه بر آن برنامه ریزان و بودجه نویسان تهران با بکار گیری مکانیزمهای تبعیض آمیز و ایجاد سدهای مصنوعی در مقابل سرمایه گذارهای اساسی در مناطق غیر فارس نشین موجبات فرار نیروی کار و سرمایه از این مناطق

را فراهم میکردند. این امر به عصب ماندگی و ویرانی این مناطق منجر گردیده است که هم اکنون نیز مشخص میباشد. (۶)

سیاست ضد دمکراتیک و شونیستی فوق، علیرغم اینکه دولت ایران یکی از امضا کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین المللی حقوق مدنی، سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میباشد که در آن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش بویژه ملیتهای ساکن در داخل مرزکشورها ی مختلف تصریح و تسجیل گردیده است (۷) تا آخر دوران پهلوی و حتی بعد از آن همچنان یا زیر پا گذاشتن کلیه تعهدات و الزامات خود در برابر ملل جهان، مزورانه و قلدرمنشانه ادامه داشته و دارد. بیاد داریم آن جمله معروفی را که محمدرضا شاه آریامهر در لحظاتی که مجبور شد تا به نیروی عظیم تودمهای مردم قهرمان ایران چون گرگی زخم خورده و مستاصل خاک این "جزیرت آرامش" را ترک گوید، از ته دل بر زبان آورد:

"نگذارید ایران، ایرانستان شود." زیرا او خود به عمق جنایاتی که از سوی خود و پدرش در حق خلقهای تحت ستم ایران اعمال گردیده بود، بخوبی واقف بود. او میدانست که در چارچوب رژیم پستشاهی اکثریت خلقهای تحقیر و توهین شده خود را یک اسیر و انسان درجه دوم احساس میکنند تا یک شهروند برابر حقوق اسیرانی که پیوسته شبح ارتش و ساواک بالای سرشان در پرواز بود.

این سیاست ننگین در دورهای نزدیک به ۷ دهه قشری از روشنفکران جیره خوار و مسخ شده را نیز در دامان ناپاک خود پرورش داد. علاوه بر شونیستهای فارس زبان، ترکانی که در برابر خداوندان زر و زور به خفت و در یوزگی تن داده، به فرهنگ و زبان مادری، حیثیت ملی و تاریخ غرور آفرین مردم خویش پشت کرده اند. ناترکانی از قماش احمد کسرویها، مهندس بازرگانها، همانا طوقها، سیدعلی خانمهایها

منظومه زیر بیاد فرزند پاکباخته مرد مترکمن  
"گورکن بېلکه" سروده شده است  
"گورکن" در سال ۶۱ توسط پاسداران  
حکومت اسلامی دستگیر و در اواخر  
تابستان ۶۱ بشهادت رسید:



غوج بیکیت لنگ لاله زارلی یولی نینگ،  
کینگ صأحوامدا اووشین آیتان لاله سی.  
وزاق ئیل لار اجیر چکن ایلی مینگ،  
رقا داغی دئنگ هم گرچک بالاسی.  
نی عزیز حالقی مئنگ ماهریندن دۇرۇن،  
گره کلی دینگ بیزه هنیزلر اۇرۇن،  
عزیز گورکن آزادلئغئنگ عاشقی،  
عزیز گورکن صأحرامئزئنگ گلشیکی.

تشنه حالقا پایلانگ غوشنی دئر دسان،  
سه چینگ کینگ صأحراما سۇز لرینگ دۇرۇن !  
دیدینگ، پایلامالی ایژئنی کسمان،  
روسی خازینانئنگ گۇهرین، زرین .  
اینک گۇزل آرزوئنگ تشنه چۇلدرده،  
دۇرتمکدی عاجاب باغی بۇسانی .  
آرزو اندینگ عادلالتی اولکه ده،  
اوز ارکینلی آزاد تۇرکمیستانی .

گورۇمدن کیتمه یار، گیتمز هم هرگیز،  
غوشنی یئغناقلارنا پروانالردک،  
دوملی - دوشدان تشنه حالقئنگ کلنده،  
بیر بیکیت آزادلئق سازئن چالاندا،  
چاپایف حاقه نندا غوشنی اۇقانئنگ،  
آزاجئق باسئکئب سالالئق بیلن  
ماره کانگ یوزۇنه ماهرم باقانئنگ .

شوندا اوز حالقی مئنگ چاپایفئنی  
سینینگ مردانا کشینگده گورۇبدیم  
شوندا چاپایفانگ اولمه یانلیگنه  
بويسانچ بیلن پیکیر آیلاب دوروبدئم .

گورۇمدن کیتمه یار، گیتمز هم هرگیز !  
شون باریانگ آییغئتلی اویملر بیلن  
غولتوغئنگدا خئدر دریانگ اتقبالی  
یوره کینگده حالقئنگ، دۇنیانگ اتقبالی  
خیالئنگدا، گلجک باهارلار بیلن . . .

ائناملی، ائناملی بارها ائناملی  
اتقبال گوزله کینده بورمردینگ دینمان،  
بولوتلاری سئرئب اوزین الله رینگ  
توملی کینگ سیناسئن یارئب گوزلهینگ،  
پارلاق دانگ یئلدئزی گورملنسنینگ حۇکمان

گوزله دینگ اتقبالی بللی دوویرده  
کتابلارئنگ سۇلی غاتلاقلارئندان  
ینه - ده گوزله دینگ واقتی کلنده  
غولداشئب زاحمتکش تايخانلار بیلن  
سووه شیب ازبجی غانخورلار بیلن  
اویا - اویا شورالاری دیکه لدیب  
پاک یوره کلی اویا غارییلارئندان

اجیر چکن ایلینگ حاقئن آاندا  
برسیزلر برلرنه ایه بۇلاندا  
آق غوش یالی ینگیل یوراب کلنگده،  
یازا اووریلردی خازانلی گویزلر  
واصفعتئکی ادردن عجیزدی سۇزلر  
اویا غارییلاری یورکنن کویساب  
تالواس ادیب، انتظارئنگ چکردی  
ماهیملی گوزلری بیلن آلقئشاب  
اوستونگدن موحابت گوللر دۇکردی

سندک غوج بیکیت لنگ فتدالارئندان  
باهار ایندی منینگ گوزل صأحراما  
تایخان ماهر بیلن اکینه باقدی  
اکین ماهر بیلن باقدی تايخانا  
سأحر الوان شاپاق یئلغئرئب چئقدی  
سولاردا سۇنلار یوزدی ارکانا

اما کوزی غافلی بیکرمجی دۇولر  
گورۇب بیلمان بو عاجایب باهاری  
کۆنمه - گۆندن آرتئب اوجی قاهاری

گوزلری غاماشئب بیله یالقمئا  
دمیر دئرنا غئنی کراب حالقمئا  
سالاندا باشئندان کرکسیز اورشی  
شوندا - دا چئقئب دئنگ دوشمانا غارشی  
آرسلانک آرایئب کور اوغلی کیمین  
ایل - کوینینگ اتقبالئن غوراماق اوچین .

اوروش یاتدی، کینطری یاتمادی  
غویون دریسینی گهین غورتلارئنگ  
واداسی نئنگ عمری اوزاق کیتمادی  
حالفدان یوز اوویرم بد نیت لرینگ

سن هم قاهرئمان یولداشلانگ یالی  
عهدی یالان نامارلار چاتوتلار  
عار - نامئسلی بییک شاهیر سیدی نک  
غوللارئنگی باغلاب تورما آندئلار

اما سن شوئدا - دا دوشمه دینگ تابدان  
دستانئنگ باشلادئنگ تازه بیر بابدان  
ینه - ده باشلادئنگ باشغاچا اورشی  
ینه - ده ایشله دینگ کیتابدئر غوشنی  
گویچونگه گویج غوشدی آزادلئق عشقی

دوشمان چویرتجکدی زیلی تورمه ده  
سن بۇلسا باردئقچا تابلاندئنگ دوردونگ  
یوره کده غابنایان غابراتئنگ بیلن  
تورمانی - ده چئن مکتبه اوویردینگ

غارا قچئلار بارها غو دوز آچدئلار  
تازه - تازه پیتنه لره کچدیلر

دیدیلز: دوومه لی هر حیلی غیناب !  
اینک الهنج یول لاری گورمه لی سیناب

کچیر دیلر سیناغ، آیتلغانچ سیناغ !  
گورۇلمه دیک جنایاتلار اتدی لر !  
بیر سأحر گیترب گورۇنگ آلئندا،  
غوج یولداشئنگ سید غوجوغی آندئلار !

اما ایکی گرچک ایکی قاهرئمان  
آرکیمین خوشلاشئب دورقونگوزی بوزمان  
جلادلانگ ایچیندن کچیر دینگیز غان !

آخمئرلی اوتوروب گئگمش اتدیلر،  
اینک الهنج سیناغی اورتا آندئلار .  
دیدیلر: "یولداشئنگ آق بایرامینی  
کیترب گوزلرینگ آلفئندا آتجاج  
سونگرا سنی آزاد ادیب تورمصدن

ایل ایچینده شيله — مئش — مئش یایراتجاق :  
 اونگ گوزگن مئش اول پاخیری توتدوران !  
 سونگ همه گونانی دو سونا بوللاب ،  
 ینه — ده گوزگن مئش اونی آتدئران !

شوندا قاهر — غاصاب غورشادی سنی  
 توتاشدئنگ آلاولاب اووریلدینگ اودا  
 آرقا داغئنگ، اینینگ آق بابرامی نئنگ  
 مردانا کشبینی گیترب یادا :

من به یله نامئسی چکه رین هرگیز !  
 دییب، باربیرنجینگ بیلن غیغئردئنگ !  
 غاصابی گوزلرینگ، تیکیب گوزلرنه ،  
 لاغئات سینکن یوزلرینه توپکوردینگ !

غارا قچلار اومیدلارئن اوودی لر ،  
 اینگ سونگراتی چاراً ناغشا دوودی لر .

دیدیلر: " اد ایندی سونگکی وصیه تینگ" !  
 دیدیلر: " یاز ایندی اینگ سونگکی خاطئنگ" !

اینگ سونگکی خاطئنگ سدا یاشایشئنگ یالی  
 بیزینگ اوچین اینگ قئماملی ساپاقدی  
 آرزودی، ائنامدی گوزل گلجه که ،  
 ظلوما تئنگ سیناسئن یاریان ساپاقدی

دیدینگ: " ایلیم — گونوم دوغان غارداشم !  
 ماهریمان عایالیم عمور سئر داشم !  
 کوشه کیم ایل متراد دیک بولسون باشئنگ !

منینگ اوچین غارا کیب یاس توتمانگ  
 غام بیویدئب گونوی چوکگونلیک اتمانگ  
 چارقانداقلی یولدور آزادلق یولی  
 غایانک اینه ر لر یئقئتلار کیدر  
 ارکین لیک عاشقی بیکیت لر غیزلار  
 خازان یاپراتی نک دوکولر کیدر . . .

بیز یینگی دیر حوکمان گوزل گلجک لر  
 گیجه، اونگون ساقلاب بیلمز ساحه رینگ  
 نئشان غالماز بو دومانلی غایلردان  
 سیناسی دولی دئر بو غووغالاردان  
 اومیدلی آیلانیاں خوش نیت بیرینگ  
 بیزینگی دیر حوکمان گوزل گلجک لر  
 گیجه، اونگون ساقلاب بیلمز ساحه رینگ"

شیدیب، خاطئن همده عمرین غوتاردی  
 اینگ سونگکی سارغئدن حالقا یتیردی  
 سونگرا باش گراملق غورشون گوللمسی  
 بیر یوزلک دال ، بیر دونیانی باتتردی

اولکمی سارسدئرئب یئقئلب گیتدینگ  
 یئقئلاندک بلند داغئنگ غایاسی  
 چئنارلک، باشئنگی دیک توتوب گیتدینگ  
 نامئسئنگ، غایراتئنگ، عافلئنگ ایه سی  
 ایلینگ آرقا داغی سارسماز سوئه سی

غادر بیلن ایلینگ ، ماهریمان ایلینگ  
 بوگون سنی حورمات بیلن یادلایار  
 آدامزادئنگ گوزل گلجه کی اوچین  
 دوکهن درینگ، برمن غانئنگ حاقلایار  
 سن کیمین غوجاقلانگ یادلاماسئنی  
 ابدی لیک، سینا سئندا ساقلایار .  
 عزیز گورکن !

بیز هم بوگون یئغنائئب  
 یاتلایارئس سنینگ گچن یوللارئنگ  
 غارشیمئزدا دور سئنگ گویا یئلغئرئب  
 قاهرئمان شهید لنگ عئسئب اللهرین  
 غایتلایانگ ینه، دبری لر اوچین

اوزونگ هم — ده بولداشلارئنگ سارغئدن :

" اوزاسئن ! اوزاسئن ! بارها اوزاسئن !

دانگا طاراپ لاله زارلی بولومئز

اوزاسئن ! اوزاسئن ! بارها اوزاسئن !

تاچئقینچا یاغتی گونته ایلی میز .

بولماسئن بولومئز جانگی کرونسیز !

غایالی — غاپلانگی داغلار اوتمه لی

گورونلی بولارمی یا — دا گوروه نسیز ،

جانگی کرومن شانلی دانگا یتمهلی !

هووا، کروه نمز آغیر یول لر آشمالی

هر انسان اوزی چه غوشانت غوشمالی"

شيله راک غوتاریار سارغئدی، سوژی

سینلاب دور بیزلری سوراغلی گوزی ۲۰۰۰۰

دانگ آتار

توموس — ۱۹۸۴

حق تعیین.....

و دیگران که تسلیم تبلیغات شوونیستها و جوسازیهای پیکر ضد ترک آنان گردیده و باور کردند که زبان مادرشان و فرهنگ غنی و زیبای خلقشان زبان و فرهنگ انسانها نیست و باید با آن به مبارزه برخاست، عاریتی و تحمیلی قلمداد کرد. اینان در حقیقت سست عنصرانی بیش نبوده و نیستند که اتهام غیر انسان بودن را پذیرفته و به چماق شوونیستهای مکار علیه خلق خود تبدیل شدهاند. این جو مسموم حتی جنبش چپ ایران را نیز تا درجه معینی آلوده است. برخورد علمی نیروهای چپ به مسئله ملی در تهمام تاریخ فعالیتشان گرایشهای شوونیستی حاکم بر دیدگاه آنان را به وضوح نشان میدهد. اما علیرغم همه این تشبثات دیرپا، وزن خلقهای غیر فارس که اکثریت نسبی جامعه ایران را تشکیل میدهند، آنچنان بالا بوده و میباشد که بخش عمده برنامههای دیر و سراز شوونیستها ناکام مانده است. خلقهای تحت ستم ایران که در تمام دوران ننگین پهلوی و پس از آن در راه دفاع از شرف و حیثیت ملی خویش قربانیهای زیادی

دادند، امروز بیش از هر زمان دیگری و با بهره گیری از شرایط مساعد جهانی در راه کسب حق تعیین آزادانه سرنوشت خویش، به شیوههای مختلف مبارزه میکنند. تشکلهای سیاسی و فرهنگی ملی در بین آنان شکل گرفته و میگیرد. تعداد کسب و نشریات بزبان خلقهای تحت ستم ایران چه در داخل و چه در خارج از کشور روز بروز افزایش مییابد. امروزه تقریباً تمامی نیروهای اپوزیسیون حتی بخشی از نیروهائی که دچار توهمات شوونیستی بودند، به این حقیقت پی بردهاند که بدون برخورد مسئولانه به مسئله ملی و پذیرفتن واقعیت انکارناپذیر وجود ملیتهای مختلف با خواستهای عادلانه و دمکراتیک، دیگر معضلات سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران بطور ریشه ای و پایدار حل نخواهد شد.

زیر نویس ها:

۱- از منابع فارسی به کتاب "ایران باستان" تألیف حسن پیرنیا (مشیرالدوله) صفحات ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵ و نیز صفحه ۳۲۰ و ۳۲۱ در تاریکی هزارها از ایرج اسکندری

۲- "در تاریکی هزارها" از ایرج اسکندری

ص ۲۹

۳- همان اثر صفحات ۱۲۴ و ۱۲۵  
۴- "نسخههایی از قدیم" اثر ناظم غولایف، عشق آباد ۱۹۸۶، بزبان ترکمنی  
۵- تاریخ ترکمنستان شوروی جلد ۱ ص ۱۶۱ (بزبان ترکمنی) - افتالیتها بخشی از "هون ها" میباشد که در منابع شوروی "هیو نیت ها" نوشته میشود.

۶- کافیت تا مقایسه ای هر چند گذرا بین مناطق کردستان، بلوچستان و حتی آذربایجان (بجز موارد استثنایی) با مناطق فارس نشین از نظر میزان سرمایه گذاریهای عمرانی و صنایع اساسی و نیز منطقه ترکمن صحرا با مناطق همجوار چون گرگان و مازندران و حتی دو بخش غربی (ترکمن نشین) و شرقی (غیر ترکمن نشین) شهر گنبد با یکدیگر مقایسه گردد تا صحت ادعاهای فوق مثل روز روشن گردد.

۷- ماده (۳، ۲، ۱) بخش یک میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۷ بخش سوم همین میثاق، به مواد (۳، ۲، ۱) بخش یک - میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی توجه فرمائید. ادامه دارد

اتالی

آلمان.....

در آغاز هر چند با مخالفتهای رهبران و دول کشورهای احزاب دینفود جهان روبرو شد، و بحثهای فراوانی را در رسانهها ی گروهی دامن زد، اما در طول کمتر از یکسال به اعتبار قدرت برتر مارکس آلمان غربی و جادبهای تکنیک پیشرفته و اقتصاد مدرن آن و از طرف دیگر بی پایه از آب در آمدن سیستم سوسیالیسم بوروکراتیک و ضد دمکراتیک، اندیشه آلمان واحد از ایده به واقعیت پیوست. وحدت دو آلمان پیش از اینکه وحدت دو سیستم متفاوت و وحدت دو بخش آلمان محسوب گردد، در عمل الحاقی بخش شرقی آلمان به بخش غربی و تشکیل کشور آلمان واحد است. علیرغم تأثیر گذاری محافل سیاسی حاکم، این رای و نظر قاطع مردم بود که منجر به تشکیل آلمان واحد گردید. هر دو بخش آلمان با دو سیستم متفاوت دارای دشواریها و معضلات زیادی بودند که چگونگی برخورد و حل آنها در آلمان واحد را، آینده نشان خواهد داد. ●

در برخی دیگر از کلمات صدایی به غیر از این دارد. (آ) در این قبیل کلمات کشیده نمیشود:

آت، داش، آش، آتاق، سورماق و... .

دو تلفظ متفاوت (آ) در الفبای سیریلیک فقط بصورت (ا) نشان داده میشود. الف قدیم در کتابهای قدیم به چند شکل مختلف آورده شده است. در بعضی از نسخ قدیمی نوشته نشده است. یمن (بد)، یقین (نزدیک) و... .

در برخی نسخ دیگر با (ا) نشان داده شده است. یامان (بد)، یاقین (نزدیک) و در برخی دیگر از هر دو طریق فوق استفاده کردند: یمان (بد)، برا (زخم) براتاق (آفریدن) و... .

ما در الفبای خودمان برای هر دوی این تلفظ شکل (آ) را بکار میبریم.

ادامه دارد

الفبای.....

در الفبای پیشنهادی خود، در این مورد شکل (ای) را به کار میبریم:

تلفظ (ای) بصورت کشیده تر: آوزین، یوغین دینماق و... .

تلفظ (ای) بصورت کوتاه: عیبادات، قیلماق

آری و... .

آ

مصوتی خشن (یوغین)، مسطح (یاسسی دوداقلانمایان) و باز (آجیق) است. در الفبای سیریلیک بشکل (ا) استفاده میشود. در الفبای ما، در اول کلمه (آ) و جاهای دیگر کلمه بصورت (ا) نوشته میشود.

آی، آز، آتا، درمان، آیا (کف دست) و... . دقت:

در زبان ترکمنی صدای (آ) به دو صورت متفاوت دیده میشود. در بعضی از کلمات صدایی کشیده دارد: آت، آبرای، قان، داش



## از فرهنگ مردم

دسته گوسفندان حمله کند ولی چوپان گوسفندان مانع از پراکندگی آنان میشود. هرگاه کسی از دسته گوسفندان جدا شود، فوری از دسته گرگ کسی از میان او و چوپان میگردد و به این ترتیب یکی از طرف گوسفندان از بازی اخراج و اگر نتوانستند گرگها از میان گوسفندان عبور کنند، چوپان به پای شخص مهاجم میزند و او از دسته گرگها اخراج میشود و به این ترتیب برنده یا بازنده تعیین میگردد.

در این بازی نقش اتحاد و یکدستگی در میان ترکمنها و نقش گرگ که همواره زندگی ترکمنها را تهدید میکرد است، بخوبی نمایش داده میشود.\*

### قورد توتوش:

عدای از بازی کنندگان نقش گوسفند را بازی کرده از پیراهن یکدیگر گرفته دنبال هم قطاروار قرار میگرد و از روی فردی که در نقش گرگ بازی میکند عبور میکنند و میگویند "اولیمی، دیری" (مرده یا زنده) گرگ میخواهد یکی از گوسفندان را بگیرد نفر اول از دسته گوسفندان به صورت زنگاک می رود، بقیه نیز همینطور تا بدین ترتیب گرگ نتواند به گوسفندان دسترسی یابد.\*

### قوشاق آتدیر:

یک گروه از بازی کنندگان - در خانه - با پرتاب ترمه شال بطرف دیگر، اسب معروفی را در ذهن خود و گروه ترسیم

از بازی کودکان و فرهنگ مربوط به آنان بازی کودکان ترکمن قبل از آنکه یک بازی باشد یک درس اجتماعی است. در بین بازیها که در زیر انواع آنها ذکر خواهیم کرد، مشاهده میکنیم این بازیها که از طرف بزرگسالان تهیه و در اختیار جوانان قرار میگرفت، بیشتر جنبه روانگاو و روانشناسانه دارد.\*

### فره گوردم:

طرز بازی به این ترتیب است که دو دسته ده یا بیست نفری تشکیل میشود دسته اول برای پنهان شدن به نقطهای میروند. دسته دوم که نقش یابنده را دارد به همراهی نماینده دسته اول که او را "اوحان" (خان جلو) میگویند و دائماً صدای بلند موقعیت یابندهها را برای پنهان شده ها گزارش میدهد راه میافتند این بازیها معمولاً در شب انجام میگردد هنگامی که یابندگان، آنان را یافتند میگویند "برق" یعنی ما شما را دیدیم و پنهان شده ها نیز سعی میکنند خود را به "تارپ" محل اصلی بازی برسانند. در این بازی، یافتن دشمن نقش اصلی را دارد که میدان کارزار و نبرد را بخاطر می آورد.\*

### آراکسیر:

در این بازی دو دسته میشوند. یک دسته در یک محل دور هم دایره وار میایستند که این عده نقش "قوین" به معنی "گوسفند" را بازی میکنند و دسته دیگر نقش حمله کننده "قورت" (گرگ) را بازی میکند و دسته گرگ سعی میکند به

کرده و بصورت معمائی از طرف دیگر میخواهد که نام و صاحب اسب را بشناسد اگر هر کدام از دو گروه موفق شدند یعنی اگر گروه دوم موفق شده اسب را بشناسد، گروه اول را سوار میشود و در صورت نشناختن گروه اول، گروه دوم را سوار میشود.\*

### ساقچی - اشاک:

در این بازی بچه ها ابتدا دایره وار ایستاده، متن زیر را میخوانند "اگنه، اگنه اوجی دگنه، بال بالاینا، چک چکینا، غوزه غوزه، قطر گچی، خالانگ، خبانگ، ناریل بوسل، چوماقای، چورتای، امین اوغلی، بیلی باغلی، کوتی داغلی چق" با اشاره به هر کدام از بچه ها متن فوق را میخواند در آخر به یک نفر میرسد و میگوید برو بیرون و دوباره متن را میخواند. بدین ترتیب در آخر دو نفر میماند "آفاق، پایاق بخشی یامان یوپک" و بدین ترتیب آنکه بخشی (خوب) باشد نگیان و آنکه کلمه یامان (بد) به او خورده به صورت خمیده میایستد تا دیگران از روی وی بپرند و نگیان نگذارد که دیگران بر او سوار شوند.

اگر نگیان توانست با پا ضربهای بر مهاجم بزند، جای وی را با مهاجم عوض میکنند. بدین ترتیب بازی تا آخر ادامه مییابد.\*

به نقل از "سیری در تاریخ سیاسی - اجتماعی ترکمن ها"

TKFC

Box 227

440 06 Gräbo

Sweden

## نشانی ما:

تازه یول، نشریاتی است آزاد و به هیچ گروه و سازمان و حزب سیاسی وابستگی ندارد و تلاش میکند خوانندگان و علاقمندان به مسائل ترکمنها را با فرهنگ و مسائل ترکمنها آشنا سازد. تازه یول کوشش میکند پیرامون مسئله ملی و جنبش ترکمنها بحثهایی را دامن بزند، لذا کلیه خوانندگان و دوستان میتوانند مطالب و مقالات خود را به تازه یول بفرستند. چاپ مطالب با امضا و مسئولیت مواضع مطروحه با نویسنده آن خواهد بود.